

نقد دیدگاه ژیلیو در مورد مصدر قرآن*

سید حسین شفیعی دارابی**

چکیده

مصدر قرآن از مباحثی است که توجه مستشرقان را به خود جلب کرده و همه به نوعی تلاش خود را به کار می‌گیرند تا بتوانند برای قرآن مصدرسازی کنند. کلود ژیلیو نیز از جمله کسانی است که با استناد به عباراتی دلیل‌نما در این باره قلم‌زده است و تلاش کرده الهی بودن قرآن را نفی کند تا آنجا که تعبیر «تاریخ ساخت قرآن» را به کار گرفته است. استناد به روایات تاریخی و وجود واژگان دخیل از جمله دلیل او بر مدعایش مبنی بر بشری بودن قرآن است. در نوشتار حاضر، دیدگاه ژیلیو پیرامون مصدر قرآن بررسی و نقد شده است.

واژگان کلیدی: قرآن، مستشرقان، مصدر قرآن، کلود ژیلیو، وحيانیت قرآن.

*. تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۳/۳ و تاریخ تأیید: ۱۳۹۶/۶/۱۰.
**. دکتری تفسیر و علوم قرآن: shafieidarabi@chmail.com

مقدمه

باور به الهی بودن «خاستگاه» و «مصدر» قرآن کریم، یکی از مهم‌ترین باورهای مشترک فرق اسلامی در حوزه قرآن‌شناسی است. این باور فراگیر، ضمن مستند بودن به دلیل عقلی (ر.ک: جوادی آملی، تفسیر موضوعی قرآن کریم، ۱۳۷۸: ۱/ ۱۳۸؛ مصباح یزدی، قرآن‌شناسی، ۱۳۷۷: ۱/ ۲۸۹-۱۶۱) و روایی (ر.ک: کلینی، کافی، ۱۳۶۳: ۱/ ۲۷۳-۲۷۴؛ ۴/ ۴۵۲-۴۵۳؛ صدوق، التوحید، ۱۴۱۳: ۱۱۵؛ همو، کمال الدین و نعمته، ۸۵؛ ...) مستند به مفاد جمع کثیری از آیات شریفه (جمعی از روایات معتبر مذکور در متون روایی نیز دال بر الهی بودن قرآن کریم هستند) نیز می‌باشد؛ برای نمونه، تنها از سه دسته از این سلسله آیات یاد می‌نمائیم:

الف) آیات حاکی از تبعیت محض پیامبر ﷺ از وحی الهی

جمعی از آیات قرآنی، حاکی از تابع محض وحی الهی بودن پیامبر اسلام ﷺ خبر داده‌اند؛ مانند: «وَ إِذَا لَمْ تَأْتِهِمْ بآیةٍ قَالُوا لَوْلَا اجْتَبَيْنَاهَا قُلْ إِنَّمَا أُتِیْتُ بِمَا یُوحی إِلَیَّ...» (اعراف/ ۲۰۳)؛ «و هرگاه برای آنان آیاتی نیاوری، می‌گویند: چرا آن را خود برنگزیدی. بگو: من فقط از آنچه از سوی پروردگارم به من وحی می‌شود، پیروی می‌کنم».

ظاهر این آیه و آیات مشابه (در سوره‌های انعام/ ۵۰، یونس/ ۱۵ و احقاف/ ۹ نیز تعبیر **إِنْ أَتَّبِعُ إِلَّا مَا یُوحی إِلَیَّ**) به کار رفته است) به خوبی نشان می‌دهد که پیامبر اسلام ﷺ هیچ نقشی در آفرینش متن قرآن نداشته است و در حرف به حرف قرآن، تابع وحی الهی بوده است. علامه طباطبائی رحمته در توضیح مضمون این سلسله از آیات می‌فرماید: «معنای آیه، طبق سیاق و با توجه به اینکه در پاسخ کسانی نازل شده که قرآن را ساخته و پرداخته پیامبر ﷺ می‌دانستند، این است که تو هنگامی که آیه‌ای به آنان عرضه نمایی آن را تکذیب می‌کنند و اگر آیه‌ای نیاوری - مثلاً اگر با تأخیر آیه‌ای را به آنان عرضه نمایی - می‌گویند: چرا آنچه را آیه می‌نامی از اینجا و آنجا جمع‌آوری نکردی؟ بگو: من در این امر از خود نقشی ندارم و تنها از آنچه پروردگارم بر من وحی می‌کند، پیروی می‌کنم» (طباطبائی، المیزان، ۱۳۷۲: ۸/ ۳۸۲).

ب) آیات حاکی از نزول وحی قرآن به زبان عربی

در جمعی از آیات از نزول قرآن به زبان عربی خبر داده شده است؛ از قبیل: - «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِیًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ» (یوسف/ ۲)؛ «همانا ما این کتاب را در قالب الفاظی خواندنی به زبان عربی فرو فرستادیم، تا در آن بیندیشید».

- ﴿وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ قُرْآنًا عَرَبِيًّا...﴾ (شوری / ۷)؛ «و بدین گونه قرآن عربی به سوی تو وحی کردیم...».

مفاد صریح این آیات و مشابه آنها (همانند: طه: ۱۱۳؛ شعراء: ۱۹۳-۱۹۵. یوسف ۲) نشان می‌دهد که قرآن با همین قالب و زبان از سوی خدا وحی شده است. علامه طباطبایی رحمته درباره آیه اول می‌فرماید: «معنای این آیه این است که خداوند خود در مرحله نزول، بر آیات این کتاب لباس عربی پوشانده است تا اندیشه بشر بتواند آن را دریابد، و اگر خداوند خود معانی قرآن را در قالب الفاظ و عبارات در نیاورده بود، فهم قرآن به پیامبر صلی الله علیه و آله اختصاص پیدا می‌کرد و قوم و امت او به اسرار آیات راه نمی‌یافتند. این آیه نشان می‌دهد که وحیانی و عربی بودن الفاظ قرآن کریم، در ضبط اسرار آیات و حقایق معارف آن نقش دارند، و اگر خداوند تنها معنای آیات را بر پیامبر صلی الله علیه و آله القا می‌نمود و پیامبر خود بر قامت آن معنای لباس الفاظ می‌پوشاند - چنان که در احادیث قدسی چنین امری تحقق یافته است - یا اینکه عبارات قرآن را به زبان دیگری ترجمه می‌نمود، برخی از اسرار آیات بین الهی بر عقول مردم آشکار نمی‌گشت و دست عقل و فهم ایشان از آن اسرار کوتاه می‌ماند. باری، برای کسی که در آیات قرآن تدبر نماید، در اینکه خداوند به خصوص الفاظ وحی، عنایت خاصی داشته، تردیدی باقی نمی‌ماند» (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۳۷۲: ۷۵/۱۱).

ج) آیات حاکی از عدم وجود اختلاف در قرآن

خدای متعال از سویی، مصونیت از هرگونه کجی، انحراف و تناقض را از جمله اوصاف قرآن دانسته است (انصاری قرطبی، تفسیر قرطبی (الجامع لأحكام القرآن)، ۱۴۰۵: ۱۶۴/۱۵): ﴿قُرْآنًا عَرَبِيًّا غَيْرَ ذِي عِوَجٍ﴾ (زمر / ۲۸)؛ و از سوی دیگر، در قالب جمله ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَى عَبْدِهِ الْكِتَابَ وَلَمْ يَجْعَلْ لَهُ عِوَجًا﴾ (کهف / ۱)؛ به سبب نزول چنین کتابی به ستایش از خویشان پرداخته و در آیه‌ای هم به صورت روشن، برای اثبات الهی بودن قرآن، به عدم اختلاف و تناقض در درون آن تصریح نموده است: ﴿أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا﴾ (نساء / ۸۲)؛ «آیا در [معانی] قرآن نمی‌اندیشند؟ اگر از جانب غیر خدا بود قطعاً در آن اختلاف بسیاری می‌یافتند».

دو تلاش فزاینده علیه «الهی بودن قرآن»

در طول قرون گذشته، به ویژه در دو سده اخیر، شاهد شکل‌گیری دو تلاش مهم در راستای باور به «الهی بودن قرآن» هستیم:

الف) بروز تفسیرهای متنوع از «الهی بودن قرآن»

با تتبع صورت گرفته مشخص گردید، در جهت تبیین و تفسیر باور مورد بحث، دست کم چهار دیدگاه ذیل بروز یافته است (ر.ک: اشرفی، «الهی بودن متن قرآن از منظر علامه طباطبایی و نقش آن در تفسیر المیزان»، قرآن شناخت، ۱۳۸۷: ۱/ ۹۱-۸۸):

۱. معانی قرآن از جانب خداست، ولی پیامبر اکرم ﷺ معانی قرآن را به قالب زبان عربی درآورده است. اگرچه پیشینه این دیدگاه را به ابن کلاب (متکلم معروف سده سوم هجری)، رسانده‌اند (ر.ک: کلاتری، قرآن و پاسخگویی به نیازهای زمان، ۱۳۸۲: ۸۸)، ولی هیچگاه نمی‌توان از تقویت و ترویج این گرایش از سوی برخی از نویسندگان جهان اسلام در سده اخیر و دم زدن نصر حامد ابوزید از آن در دوره کنونی و شهرت آن در برخی محافل آکادمیک و قرابت زیاد آن با آرای برخی از نویسندگان داخلی (نویسندگانی همانند: عبد الکریم سروش، محمد مجتهد شبستری، و...) غفلت ورزید (ر.ک: اشرفی، «الهی بودن متن قرآن از منظر علامه طباطبایی و نقش آن در تفسیر المیزان»، قرآن شناخت، ۱۳۸۷: ۱/ ۸۸-۹۱).

۲. معانی قرآن از جانب خداست، ولی الفاظ و عبارات آن را حضرت جبرئیل انتخاب و تنظیم کرده است. زرکشی در البرهان این دیدگاه را به نقل از سمرقندی آورده است (ر.ک: زرکشی، البرهان فی علوم القرآن، بی‌تا: ۱/ ۲۹۱). زرقانی نیز دیدگاه اول و دوم را با عنوان دیدگاه‌های انحرافی و باطل در این مسئله طرح کرده است (زرقانی، مناهل العرفان فی علوم القرآن، بی‌تا: ۱/ ۴۸ و ۴۹).

۳. هم الفاظ و متن و هم محتوا و معانی قرآن از انشاءات شخص پیامبر اکرم ﷺ است. علامه طباطبایی ﷺ در بخشی از تفسیر خود پس از اشاره به دیدگاه اول می‌نویسد: «سست‌تر از دیدگاه اول، دیدگاه کسی است که می‌گوید: پیامبر الفاظ و محتوای قرآن را انشا کرده است و قرآن را از مرتبه‌ای از نفس شریف پیامبر ﷺ که «روح الامین» نام دارد، به مرتبه‌ای دیگر که قلب نامیده می‌شود، القا کرده است» (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۳۷۲: ۱۵/ ۳۱۷).

نا گفته نماند: برخی از عبارات دکتر سروش، حکایت از تمایل وی به این نظریه دارد (سروش، بسط تجربه نبوی، ۱۳۸۲: ۱۳۴).

۴. محتوا و متن قرآن عیناً از سوی خدا نازل شده است و پیامبر ﷺ و فرشته وحی هیچ نقشی در خلق معانی و گزینش الفاظ و عبارات قرآن نداشته‌اند. این دیدگاه به دلیل برخورداری از پشتوانه‌های متقن قرآنی و روایی در باور غالب اندیشمندان مسلمان در حد ضروری دین جای گرفته است (ر.ک: زرکشی، البرهان، ۱۴۰۸: ۱/ ۲۹۰؛ زرقانی، مناهل العرفان، ۱۳۸۵: ۱/ ۴۹).

استاد معرفت رحمته صریحاً از اتّفاقی بودن این نظریه در بین مسلمانان خبر داده و این گونه نگاشته است: «تمام مسلمانان در همه دوره‌های تاریخ اسلام بر این مطلب اتّفاق دارند که نظم موجود و شیوه حاکم در جمله‌ها و ترکیب آیات قرآن کریم، تنها حاصل وحی الهی است و همه فرقه‌های مسلمان با وجود اختلاف در گرایش‌ها و آرائشان در سایر موضوعات، درباره این مسئله اتّفاق نظر دارند» (ر.ک: معرفت، التمهید فی علوم القرآن، ۱۳۸۱: ۱/ ۲۷۴).

ب) خدشه و انکار در «الهی بودن قرآن»

دیگر تلاش فزاینده‌ای که از آغاز نزول قرآن علیه این متن جاوید آسمانی شروع شده و تا کنون نیز ادامه دارد، انکار «صبغه الهی» قرآن و ایجاد خدشه در آسمانی بودن آن است. با تأمل در مفاد آیات حاکی از مواضع تند مشرکان علیه قرآن کریم، به وضوح می‌یابیم که غالب آنان پس از اطلاع از نزول آیات قرآن، راه عناد و لجاجت را در پیش گرفتند و در این راه با انتساب اوصافی چون ساحر، مسحور، مجنون، شاعر، کاهن و کذاب به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله سعی در تخریب حقانیت او و اصالت قرآن داشتند (ر.ک: شاکر، و سعید فیاض، «سیر تحول دیدگاه‌های خاورشناسان در مورد مصادر قرآن»، مجله پژوهش‌های قرآن و حدیث، ۱۳۸۹: ۱/ ۱۲۳-۱۲۱). نکته شایان ذکر اینکه بهره‌گیری از شیوه مذکور در جهت ستیز با قرآن کریم، محدود به عصر نزول و مختص به مشرکان در آن دوران نیست، بلکه در قرون بعدی نیز معاندان این کتاب آسمانی، از اعمال این شیوه در جهت یادشده دریغ نورزیدند.

باور کارشناسان (ر.ک: همان) در این حوزه این است که بهره‌گیری جدی از این شیوه در دنیای غرب، به اوایل قرن نوزده برمی‌گردد؛ زیرا از این زمان به بعد، برخی از خاورشناسان و قرآن‌پژوهان غربی، با طرح بحثی تحت عنوان «منابع و مصادر قرآن»، کوشیدند تا به دیگران چنین القا کنند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بخش جالب توجهی از قرآن را از منابع مختلف مانند تورات، تلمود و انجیل، فرهنگ و آداب مردم مکه، آئین صابئان و اشعار جاهلی اخذ کرده است یا برآن‌اند که آن حضرت با تأثیرپذیری از شرایط اجتماعی، فرهنگی و مذهبی عصرش، خود پدید آورنده متن قرآن بوده است (ر.ک: علی الصغیر، دراسات قرآنیة، المستشرقون و الدراسات القرآنیة، ۱۴۱۳: ۳۳-۳۴).

شایان ذکر است که باور خاورشناسان به غیرالهی بودن خاستگاه قرآن کریم، باوری فراگیر است؛ به گونه‌ای که خاورشناس روسی تبار فرانسوی، همچون ماکسیم رودنسون Maxim Rodinson 2004-1915 چنین اعتراف نمود که «مسئله عدم اصالت اسلام و تکیه آن بر سایر ادیان، موضوعی مشترک میان تمامی خاورشناسان است» (شرقاوی، الاستشراق فی الفکر الاسلامی المعاصر، بی تا: ۸۵).

«کلود ژیلیو» و نفی «الهی بودن قرآن»

کلود ژیلیو فرانسوی^[۱] از جمله خاورشناسانی است که در دهه‌های اخیر، تلاش گسترده‌ای را در حوزه «قرآن‌شناسی» و «متون تفسیری» به ویژه «تفسیر طبری» از خود برجای نهاد. وی اگرچه سنگ علاقه‌مندی به تاریخ اسلام را به سینه می‌زند و در حوزه تاریخ آغاز اسلام، زندگانی پیامبر اسلام ﷺ و سنت برجای مانده از آن بزرگوار تحقیق نموده و قلم زده است، از چهره‌های شاخص در میان خاورشناسان است که به منشأ وحیانی قرآن اعتقادی ندارد. او برای درست جلوه دادن این باور ناصحیح خود، مقالات متعددی را در خصوص آنچه «تاریخ ساخت قرآن» می‌خواند، نگاشته است. یکی از مدخل‌های «دائرة المعارف قرآن لیدن» نیز به طرح نظرهای او اختصاص یافته است.

مهم‌ترین دلایل کلود ژیلیو و نقد اجمالی آنها

اگرچه در آثار ژیلیو، به صورت مستقیم شاهد طرح عنوان «دلایل» یا «دلیل» در جهت اثبات مدّعیاش نیستیم، اما با تأملی مناسب در مقالات و گفته‌های متنوع وی در برخی از مجامع و نشست‌های علمی، به این نتیجه می‌رسیم که او در قالب عبارات دلیل‌نما، تلاش نموده است تا مدّعی‌های خویش را مستند به دلایل جلوه دهد. می‌توان مهم‌ترین عبارات دلیل‌نمای ژیلیو را در دو عنوان ذیل یاد نمود:

الف) استناد به روایات تاریخی

ژیلیو با نقل گزارش‌های متعدد تاریخی از منابع اسلامی تلاش کرده و انمود کند که این روایات تاریخی، این شبهه را به اثبات می‌رساند که محتوای سوره مکی تحت تعلیم و تأثیر تعلیم‌دهندگان ادعایی پیامبر ﷺ شکل گرفته است. وی برای تثبیت مدّعیاش بر نکته تصریح می‌کند که «در برابر باور دینی مسلمانان یک پژوهشگر شرق‌شناس اساس فرضیه خود را از منابعی که مطالعه می‌کند، به‌دست می‌آورد. برای مثال، اسلام در خلاً و بر یک لوح سفید به وجود نیامد، بلکه در محیطی مملو از فرهنگ‌های باستانی چشم گشود؛ بنابراین، تأثیر محیط و فرهنگ‌های معاصر را نمی‌توان بر اسلام به تبع آن قرآن انکار کرد. برخی از فرازهای آنچه به نام قرآن می‌شناسیم، تفسیر (می‌توان گفت: مقصود ژیلو از واژه «تفسیر»، هر دو معنای آن یعنی ترجمه یا اقتباس و شرح یا توضیح می‌باشد) سنن و روایت‌های کتبی یا شفاهی ماقبل خود به شمار می‌رود» (Claude Gilliot, Hommage à Alfred- Louis de Prémare, Aix-en-Provence, Presses Universitaires de Provence, 2011, (REMMM, 129 (juillet 2011), p. 31-56).

نقد مستند تاریخی

۱. مهم‌ترین نقد وارد بر مستند تاریخی ژیلو، نص صریح آیه ۱۰۳ سوره نحل و دیگر آیاتی است که بر وحیانی بودن قرآن کریم تأکید دارد.
۲. روایات تاریخی مورد استناد ژیلو نیز حتی با فرض معتبر بودنشان، تنها از ارتباط پیامبر با این افراد سخن می‌گویند نه تعلیم یافتن آن حضرت از ایشان و برخی از این ارتباطها جز ساعتی به طول نینجامیده است حتی برخی از آنها پس از بعثت بوده است (ر.ک: معارف و خلیلی آشتیانی، مجله قرآن پژوهی خاورشناسان (قرآن و مستشرقان) - شماره ۱۹، دوره دهم پاییز و زمستان ۱۳۹۴).

ب) بهانه قرار دادن برخی از واژگان دخیل در قرآن

ژیلو برخی از واژگان دخیل در قرآن را به عنوان شاهد مثال ذکر می‌کند تا با استفاده از آنها منبع و مصدر قرآن را وابسته به فرهنگ و زبان‌هایی که در محیط قرآن و در آن روزگار وجود داشته‌اند، معرفی کند. یکی از مهم‌ترین مثال‌هایی که در این باب به آن می‌پردازد، خود کلمه «قرآن» است. وی این واژه را از ریشه زبان عربی نمی‌داند، بلکه آن را از ریشه «قریانا» می‌داند (Qeryana) که از زبان سریانی به معنای «مناجات‌نامه» اخذ شده است. ... (مصیمی، پایان نامه بررسی اندیشه‌های کلود ژیلو در باره قرآن کریم، ۶۱-۶۰).

نقد سخن غیر عربی بودن واژه «قرآن»

استاد معرفت^{۱۱۱} درباره این موضوع که برخی از مستشرقان احتمال داده‌اند که واژه «قرآن» از ریشه «قریانه» به معنای «قرائت» گرفته شده باشد، چرا که چنین ریشه‌ای در کنیسه سریانی استعمال می‌شود، چنین پاسخ می‌دهد:

«همه این احتمالات بر پایه خیال و پندار محض استوار شده است. در جایی که یک کلمه در زبان عربی دارای اشتقاق و ریشه اصیل باشد، زمینه‌ای برای غیرعربی دانستن آن وجود ندارد. این دأب مستشرقان است که تلاش می‌نمایند برای بسیاری از واژگان قرآنی، مبدئی غیرعربی فرض کنند. همچنان که دایرةالمعارف انگلیسی گمان کرده که واژه «ایمان» عبری یا آرامی و واژه «صلاة» آرامی و «قلم» یونانی و «صراط» و «سوره» عبری می‌باشند. بر فرض که یک واژه در زبان سریانی یا زبانی دیگر به لفظ قرآن و فرقان شباهت داشته باشد، آیا تنها احتمال همین است که آنها را جزء معرّبات قرآنی بدانیم؟ آیا چنین فرضی معقول نیست که گفته شود آن تلفظ از عربی اخذ شده است؟ یعنی احتمال دهیم که واژه «فرقانا» یا «بیرکی» و امثال آنها در

اصل عربی بوده و سپس وارد زبان‌های لاتین و غیرعربی شده باشد؟ چه کسی می‌داند که کدام‌یک از این دو وضع به لحاظ زمانی، بر دیگری تقدم داشته است؟» (اسکندرلو، «قرآن و پدیده استشراق در آثار آیت الله معرفت»، معرفت قرآنی یادنگار آیت الله محمدهادی معرفت، ۱۳۸۷: جلد پنجم).

نتیجه

۱. باور به «الهی بودن خاستگاه قرآن»، ضمن مستند بودنش به براهین عقلی و روایی، مستند به مفاد جمع کثیری از آیات شریفه نیز می‌باشد.
 ۲. در طول قرون گذشته، به ویژه در دو سده اخیر، شاهد شکل‌گیری دو تلاش فزاینده علیه باور به «الهی بودن قرآن» هستیم که یکی بروز تفسیرهای متنوع از «الهی بودن قرآن» است که چهار تفسیر متفاوت از آن به دست می‌آید که با تأمل در محتوای آنها به خوبی در می‌یابیم که تنها با قبول تفسیر چهارم یعنی نازل شدن محتوا و متن قرآن از سوی خداوند، باور به الهی محض بودن قرآن مصون از آسیب خواهد بود. تلاش دیگر، خدشه در «الهی بودن قرآن» و انکار است که چهره‌های بسیاری از خاورشناسان در این راستا تلاش نموده‌اند تا آنجا که به نظر برخی از خاورشناسان «مسئله عدم اصالت اسلام و تکیه آن بر سایر ادیان، موضوعی مشترک میان تمامی خاورشناسان است».
 - ۳- کلود ژیلیو فرانسوی از جمله خاورشناسانی است که در دهه‌های اخیر تلاش گسترده‌ای را در جهت به کرسی نشاندن ایده نادرست «بشری و غیر الهی بودن» قرآن آغاز نمود و در این راستا از عبارات دلیل‌نمای متعددی بهره جست.
- استناد به گزارش‌های متعدد تاریخی از منابع اسلامی تلاش در غیر عربی جلوه دادن واژگان کلیدی در قرآن از تلاش‌های نافرجام است.

پی‌نوشت‌ها

[۱] کلود ژیلیو در روز ۶ ژانویه ۱۹۴۰ در شهر گوآم از استان پا دوکاله در شمال فرانسه به دنیا آمد و تحصیلات خود را تا مقطع دکترا در فرانسه و لبنان ادامه داد. مبانی ذهنی و جهان‌بینی وی در تحصیلات علوم دینی، طبق مسیحیت کاتولیک از گرایش دومینیکن شکل گرفت. وی به‌عنوان روحانی مسیحی از نسل خاورشناسان مذهبی به‌شمار می‌رود که به مطالعه اسلام روی آورد. برای مطالعه اسلام ابتدا به آموختن زبان این دین یعنی زبان عربی پرداخت تا سرانجام در سال ۱۹۷۰م. در این زبان فارغ‌التحصیل گردید. سپس زندگی علمی خود را مصروف اسلام‌شناسی نمود. برای این منظور تحصیلات دانشگاهی خود را در دپارتمان مطالعات عربی - اسلامی دانشگاه سوربن پاریس پی گرفت. در سال ۱۹۸۲م. از رساله دکترای سیکل سوم خود در دانشگاه پاریس سوم با عنوان «سوره بقره در تفسیر طبری» با امتیاز «خیلی خوب» دفاع کرد. سپس در سپتامبر ۱۹۸۷م. رساله دکترای دولتی خود با عنوان «جنبه‌های مشترک پنداشت اسلامی در تفسیر طبری» را با راهنمایی محمد ارکون و با امتیاز بسیار عالی به پایان برد. ... در نوامبر ۱۹۹۸م. به همراه تیلمان نزل شرق‌شناس آلمانی سمیناری تحت عنوان «کاربردهای قرآن، پیش‌انگاری و روش‌ها» را در این دانشگاه برگزار نمود که حاصل آن در سال ۲۰۰۰م. منتشر گردید. کلود ژیلیو به‌عنوان محقق فعال و نویسنده‌ای پر آثار شناخته می‌شود. اگرچه چند سالی است از دانشگاه بازنشسته شده است، با این حال، به نگارش و مصاحبه‌های علمی خود ادامه می‌دهد. به‌گونه‌ای که از وی چندین جلد کتاب و ده‌ها مقاله در زمینه علوم قرآنی و تفسیر به زبان‌های فرانسه، انگلیسی و آلمانی بر جای مانده است. ژیلیو در زندگی علمی‌اش تعداد بسیار زیادی کتاب و مقاله در خصوص «الهیات مسلمانان» و «تفسیر قرآن و اسلام کلاسیک» به رشته تحریر درآورده است (اقتباس از: پایان نامه حمیرا مصیمی، بررسی اندیشه‌های کلود ژیلیو درباره قرآن کریم، ۱۵-۱۶).

فهرست منابع

۱. بحرانی، سید هاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، مؤسسه اعلمی، بیروت، ۱۴۱۹ق.
۲. جوادی آملی، عبدالله، تفسیر موضوعی قرآن کریم، قرآن در قرآن، تنظیم و ویرایش: محمد محرابی، مرکز نشر اسراء، بهار ۱۳۷۸ش.
۳. زرقانی، محمد عبدالعظیم، ترجمه مناهل العرفان فی علوم القرآن، ترجمه محسن آرمین، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۵ش.
۴. الزرکشی، بدرالدین محمد بن عبدالله البرهان فی علوم القرآن دارالفکر، ۱۴۰۸ق.
۵. سروش، عبدالکریم، بسط تجربه نبوی، تهران: مؤسسه فرهنگی صراط، چاپ چهارم، ۱۳۸۲ش.
۶. شرقاوی، محمد عبدالله، الاستشراق فی الفکر الاسلامی المعاصر، قاهره، دارالفکر العربی، بی تا.
۷. شیخ صدوق ابوجعفر، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، التوحید، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۳ ق، چ سوم.
۸. صغیر، محمد حسین، دراسات قرآنیة، المستشرقون و الدراسات القرآنیة، قم: مرکز النشر لمکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۱۳ق.
۹. طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیرالقرآن، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ دوم، ۱۳۷۲ش.
۱۰. قرطبی، ابو عبدالله محمد بن احمد، الجامع لأحكام القرآن (تفسیر قرطبی)، بیروت، داراحیاء التراث العربی، چاپ دوم، ۱۴۰۵ق.
۱۱. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تحقیق علی اکبر غفاری، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۳ش.
۱۲. کلاتری، ابراهیم، قرآن و چگونگی پاسخگویی به نیازهای زمان، قم، دفتر نشر معارف، ۱۳۸۲ش.
۱۳. مصباح یزدی، محمدتقی، قرآن شناسی، قم: موسسه آموزشی امام خمینی، ۱۳۷۷.
۱۴. معرفت، محمدهادی، علوم قرآنی، قم: موسسه فرهنگی التمهید، ۱۳۸۱ش.